

جایگاه گویش هراتی در میان گویش‌های گروه زبانی فارسی دری*

یو. آ. یوانسیان
ترجمه حسین مصطفوی گرو

با آن که در قرن بیستم زبان دری افغانستان توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد؛ در میان گویش‌های موجود در پیوستار زبان‌های خویشاوند فارسی، تاجیکی و دری کمتر از همه گویش‌های این زبان بررسی و مطالعه شده است. حتی، در منطقه‌ای که زبان دری رواج دارد، مطالعات ایران‌شناسان، بیش از همه، بر گویش پایتخت یعنی کابلی متمرکز شده است که می‌توان، برای نمونه به آثار ل. بوگدانوف، ر. فرهادی، ت. ن. پاخالینا و غیره اشاره کرد. علاوه بر گویش کابلی، گویش‌های هزاره‌ای نیز در کانون توجه

* Yu.A. IOANNESYAN, "Mesto geratskogo sredi dialektov dari-persigskogo yazykovogo massiva" *Peterburgskoe. Vostokovedenie*. v. 7, Sankt-Peterburg, 1995 pp. 224-241.

(۱) توصیف کامل ترگویش دری ادبی را در آثار زیر می‌توان دید:

L. N. DOROFEEVA, *Yazyk farsi-kabuli*. M., 1960; L. N. Kiseleva, *Yazyk dari Afganistana*. M., 1985

(در پانوشته‌های بعدی به صورت kiseleva می‌آید).

2) I. BOGDANOV, «Stray notes on Kabuli Persian»- *JASB*. vol. 26, No. 1, Calcutta, 1930; A. FARHADI, «Le Persan parlé en Afganistan». *Grammaire du Kâboli*. Accompagné d'un recueil de quatrains populaires de la Région de Kâbol. Paris, 1955 (BOGDANOV: در پایین); R. FARHADI, *Razgovornyi farsi v Afganistane (per.5 frantz. B.Ya. Ostrovskogo)*. M., 1974 (FARHADI: پایین); T.N. PAKHALINA, «K karakteristike kabul'skogo prostorechiya» - *Indiiskaya i iranskaya filologiya*. M., 1968 (PAKHALINA: پایین).

پژوهشگران قرار گرفت و مجموعه آثار و. آ. افیموف و دیگران بدان اختصاص دارد.^۳ تحقیقاتی نیز درباره گویش‌های منطقه جبل السراج در ایالت پروان^۴ و گویش هراتی^۵ صورت گرفته که در مقایسه با دیگر گویش‌ها، اطلاعاتی که درباره آنها منتشر شده بسیار ناقص است. به رغم پژوهش‌های محدودی که امروزه درباره گویش‌های محلی دری صورت گرفته است، در آثار منتشر شده می‌توان نظرهای ارزشمندی سراغ گرفت که چه بسا اساس رده‌بندی گویش‌های این زبان واقع شوند و موقعیت زبانی آنها را نه تنها نسبت به یکدیگر بلکه نسبت به دیگر واحدهای گویشی منطقه دری-فارسی-تاجیکی آشکار سازند. در رده‌بندی پیشنهادی ر. فرهادی، گروه گویشی تاجیکی-فارسی-دری به دو بخش غربی (گویش‌های فارسی ایرانی غربی) و شرقی تقسیم می‌شود. بخش شرقی خود شامل یک زیرمجموعه خراسانی (خراسان ایران، خراسان افغانستان و سیستان) و افغانی-تاجیکی (تاجیکستان و دیگر مناطق آسیای مرکزی، مرزهای افغانستان از بدخشان تا کابل و امتداد آن به سمت مشرق) است.^۶ این رده‌بندی بدون تردید در خور توجه است؛ اما، به سبب بی‌ثباتی و تزلزل مطالب موجود، می‌توان آن را طبقه‌بندی ابتدایی تلقی کرد.

علاوه بر آن، ل. بوگدانوف موفق به کشف مواردی شده است که بر حسب آنها فرق بین

3) V. A. Efimov., *Yazyk afganskikh khazara (yakaulangskii dialekt)*. M., 1965; "lichnye glagol'nye formy v yakaulangskom dialekte khazara (itogi polevoī raboty)". - *Indiiskaya i iranskaya filologiya*. M., 1964; "O meste khazara v tadjik-skome yazykovom massive (na materiale yakaulangskogo dialekt)". *Indiiskaya i iranskaya filologiya. Voprosy dialektologii*. M., 1971; G. Dullinq., *The Hazaragi dialect of Afghan Persian (a preliminary study)*. London, 1973.

4) V. Obidov. *Shivai Chabal-us-Siroch. Afgonistoni Shimoli*. Dushanbe, 1977.

۵) اثر دیگری با عنوان گویش هراتی از نویسنده همین مقاله در زیر چاپ است. مطالب اصلی آن را روایات عامیانه، داستان‌ها، گفتارهای روزمره تشکیل می‌دهند که در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۱ در افغانستان گردآوری شده است. کتاب یاد شده، علاوه بر آواشناسی، صرف، نحو و مجموعه واژگان، حاوی متون و فهرست اصطلاحات روزمره است. رساله مؤلف نیز در همین موضوع بوده است. ←

Yu. A. IOANNESYAN, *Dialekt sovremennogo dari raiona g. Gerata (fonetika, morfologiya)*. Avtoreferat na soisk. uch. kand. filol. nauk. M., 1987.

در شماری از آثار افغانی به بررسی واژگان گویش هراتی پرداخته شده است که در میان آنها واژه‌نامه زیر بسیار مهم است:

M. A. FIKRAT, *A Vocabulary of spoken Herati*. Kabul, 1976 (Fikrat : پایین).

6) FARKHADI, p.7.

فارسی کابلی (نماد کهن زبان دری) و فارسی مشخص می‌گردد.^۷ در این راستا، گام مهم بعدی با مقاله و. آ. افیموف «درباره جایگاه گویش هزاره‌ای در گروه زبانی تاجیکی» برداشته می‌شود.^۸ در این مقاله، چند مرز هم‌گویی مشخص می‌شود که بر طبق آنها واحدهای گویشی منطقه دری - تاجیکی در مقابل فارسی قرار می‌گیرد و، همراه با اثر ل. بوگدانوف، مشخصات صرفی و آوایی و دیگر مشخصات لازم را برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای در بر دارد. تحقیقات بعدی در زمینه گویش هراتی اهمیت این معیارها را تأیید می‌کند. انتخاب محوری‌ترین گویش یک منطقه برای مقایسه با گویش‌های مناطق دیگر فقط در سایه رده‌بندی میسر است.^۹ ر. فرهادی، در تقسیم‌بندی پیش‌نهادی خود، سه گویش را انتخاب می‌کند: یکی از میان گویش‌های افغانی - تاجیکی، دیگری از گروه غربی و سومی از خراسانی.

برای انتخاب این گویش‌ها نخست باید توجه خود را به گویش کابلی و تهرانی معطوف سازیم. چنان که ل. ن. کسلیووا خاطر نشان می‌سازد، گویش کابلی در افغانستان به عنوان زبان عامیانه زبرگویشی چند منظوره رایج شده است و خصوصیات زبانی منطقه را کاملاً منعکس می‌کند. اهمیت فرهنگی و اقتصادی شهر کابل در مقایسه با دیگر شهرهای افغانستان چنین حالتی را تقویت می‌کند.^{۱۰} چنین نقشی را گویش تهرانی در درون مرزهای ایران ایفا می‌کند. این گویش بر همه گویش‌های فارسی تأثیر می‌گذارد و گویش‌های محلی نیز متقابلاً بر آن اثر می‌گذارند. گویش تهرانی مهم‌ترین نماینده گروه زبانی فارسی غربی به شمار می‌آید. ل. ن. پسیکوف به رابطه تنگاتنگ زبان محاوره‌ای فارسی با گویش تهرانی اشاره می‌کند.^{۱۱}

در بین گویش‌های ناحیه خراسان می‌بایست گویش‌های مراکز فرهنگی، سیاسی و تاریخی را جدا کرد؛ زیرا که آنها در طول قرون، به دلیل نقش خاص خود، از جمله در روابط و مناسبات تجاری - اقتصادی، به طور اساسی در وضعیت زبانی منطقه خود تأثیر کرده‌اند و، در عین حال، تأثیر زیادی نیز پذیرفته‌اند. گویش شهر هرات و سرزمین‌های مجاور کاملاً با معیارهای ما برای انتخاب مطابقت دارد.^{۱۲}

(۷) ← پانوش ۲ (۸) ← پانوش ۳ (۹) گویش‌های نزدیک نیز در زیر این گروه‌ها می‌آیند.

(پایین: Pešikov, 1960, s. 6, 7) (11) L. S. Pešikov, *Tegeranskü dialekt. M.*, 1960, s. 6, 7 (10) Kiseleva, p. 16

(۱۲) منطقه‌ای که مورد بررسی قرار دادیم شامل شهر هرات (و حومه) و روستاهای نزدیک بود که گویش‌های آنها از نظر نشانه‌ها در زیر یک گویش واحد قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب، مقایسه گویش‌های کابلی، هراتی و تهرانی می‌تواند نه تنها از نظر تعیین موقعیت زبانی آنها در رابطه با یکدیگر بلکه هم چنین در بافت وسیع‌تر، یعنی تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای به عنوان گویش‌های سه منطقه، بررسی شود.

در ابتدا، سعی می‌کنیم خصوصیات گویش هراتی را در مقایسه با گویش کابلی مشخص کنیم در حالی که، هم‌زمان، نشانه‌های نزدیک‌کننده گویش هراتی را به تهرانی خاطر نشان می‌سازیم (ضمناً از مطالبی که نویسنده پیش‌تر درباره گویش هراتی نوشته است بهره می‌گیریم)^{۱۳}.

نظام مصوت‌ها

در گویش کابلی، واج‌های i و ê، u و ô با یکدیگر تفاوت دارند^{۱۴}.

šir «شیر (خوراکی)» / šêr / «شیر (جاندار)»؛ sir «سیر (خوردنی)» / sêr «سیر»؛ tir «تیر، شاه‌تیر» / têr «بن مضارع فعل «طی کردن-گذشتن»؛ ku «کو» / kô «کوه»^{۱۵}؛ tul «طول» / tôl «وزن»؛ bura «شکر» / bôra «زمین بایر».

در حالی که، در گویش هراتی، چنین تفاوتی وجود ندارد چون واو و یای مجهول معروف شده‌اند:

šir «شیر خوردنی» - šêr/šir «شیر (جاندار)»؛ sir «سیر خوراکی» - sêr/sir «سیر»؛ tir «تیر، شاه‌تیر» - tir بن مضارع فعل «طی کردن، گذشتن»؛ ku «کو» - kô/ku «کوه».

نیز قس zôr/zur «زور»، pôst/pust «پوست» و جز آن.

آن گونه که از مثال‌ها پیداست، نظام مصوت‌ها در گویش هراتی، همانند گویش

(۱۳) ← پانوشت ۵.

14) Farkhadi, s. 16-23; Kiseleva, s. 21-22.

15) نمونه‌هایی که از گویش کابلی در این‌جا یا بعداً آورده می‌شود براساس آوانویسی است که در آثار ر. فرهادی، ل. ن. کیسلوا و واژه‌نامه دری- روسی آمده است:

L. N. Kiseleva, V. I. Mikolaïchik, *Dari-russkû slovar'. Izd. 2-e, stereotip. s prilozheniem novykh slov. M.*, 1986.

نشانه‌های مکمل مطالب گویش هراتی: ۱) e (بسته)، e (باز)، æ، a (خفیف)، ê (بسته)، u، q، o و u غیرهجایی)، d (واکدار ناقص)، ġ (انسدادی سایشی نرم کامی واکدار ناقص). ġ در گویش تهرانی نیز استفاده می‌شود. در بقیه موارد، آوانویسی فارسی مطابق آثار زیر است:

Osnovy iranskogo yazykoznanija. Novoiranskie yazyki: zapadnaya grupa, prikaspûskie yazyki. M., 1982.

16) Farkhadi, s. 75, 91

تهرانی، در حال تغییر و تحول است.^{۱۷} بعضی از تغییرات موضعیِ مصوت‌های گویش هراتی را بررسی می‌کنیم:

۱. a و ä در پایان واژه بیشتر به ε و e بدل می‌شود:

delšakast ε «دل‌شکسته» češme «چشمه».

۲. â در مجاورتِ m و n (قبل و بعد) به o و u بدل می‌شود:

kalon «کلان»، xune «خانه»، bâdum «بادام»، noju «سدر لبنانی»، modar «مادر»، mor «مار».

۳. هرگاه واجِ â در هجای بدون تکیه باشد، امکان تبدیل آن به a وجود دارد:

xali «خالی»، tariki «تاریکی»، jaru «جارو»، tavestun «تابستان».

۴. مصوت‌های • a و ε و e و i بیشتر (در واژه‌های مجزا به طور منظم) بعد از

صامت‌های پیشین جایگزین o/u و o می‌شوند:

bexari «بخاری»، dekun «دکان»، jamε «جمعه»، zeğâl «زغال»، tišak «تشک»، d•šman

«دشمن»، čpun «چوپان»، tε «تو» (به ندرت).

۵. مصوت‌های بلند و کوتاه، تحت تأثیر m و r، یا حذف می‌شوند یا کاهش می‌یابند:

arkât (<(h)arakât) «حرکت»، čer(>c'erâ) «چرا»، bor (<boro^hat) «برو».

betaršid (<betara^šid) «بتراشید»، tarkestun (<ta^rikestân) «تاریکستان»، m•x (m•x/mix)

«میخ»، nambine (< namêbine / namibine) «نمی‌بند»، (amiô < (h)amintô(r))

«همین‌طور».

قوانینی که در بالا ذکر شد در گویش کابلی مشاهده نمی‌شود.^{۱۸} برخلاف آن، تبدیل

منظمِ a ی تاریخی همانند e در پایان واژه و تطابق u با ä ی ادبی قبل از خیشومی‌ها

مختص گویش تهرانی است.^{۱۹}

در گویش کابلی، مصوت‌ها، از نظر کشیدگی، به کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند؛ در

حالی که بر طبق تحقیقات آزمایشگاهی^{۲۰}، در گویش هراتی، مصوت‌ها، از نظر کشیدگی،

17) *Osnovy iranskogoazykoznanija*, s. 22; Pešilov, s. 13, 14.

18) Farkhadi, s. 16 (§3, 4), 24-37; Boçdanov, s. 5.

19) Pešikov, s. 16, 19.

۲۰) داده‌های مفصلی دربارهٔ تحقیقات آزمایشگاهی وجود دارد. ←

Yu. A. IOANNESYAN, "glasnye geratskogo dialekta dari v kolichestvennom otnoshenii" . - *Pis'mennyepamyatniki i problemy istorii kul'tury narodov Vostoka. XXII godich. nauch. sessiya Lo IV ANSSSR (doklady i soobshcheniya)* 1988. S. 89-92.

تفاوتی ندارند. در هجای بسته تکیه‌دار، مصوت‌های بلند و کوتاه تقریباً از نظر کشیدگی برابرند و، در هجای باز بدون تکیه، تفاوت چندانی ندارند (در کابلی نیز، در موقعیت اول، به اندازه ۲/۴ برابر و، در موقعیت دوم، به اندازه ۱/۸ برابر یکی کوتاه‌تر از دیگری است).^{۲۱} فقدان تفاوت بین مصوت‌ها در هجای باز بدون تکیه در ترکیب با قابلیت کوتاه شدن تا صفر و تغییرپذیری کیفی مصوت‌های بلند (← بالاتر) نیز مانع از آن می‌شود که این مصوت‌های اخیر را در شمار مصوت‌های پایدار بیاوریم (در فارسی، مصوت‌های ناپایدار در هجای باز بدون تکیه کوتاه‌تر از مصوت‌های پایدار و به اندازه ۱/۸۴ برابر و در تاجیکی به میزان دو برابر است).^{۲۲}

مصوت‌های مرکب

āw و āy تاریخی، که در گویش کابلی^{۲۳} حفظ شده است، در گویش هراتی به صورت ēy و öy آمده است:

key «کی»، peyda «پیدا»، nou «نو»، derou «درو».

مصوت مرکب öu به تهرانی ou نزدیک‌تر است تا aw کابلی؛ چون در جزء اول ou و ou مصوت‌های نیمه بازگرد نقش ایفا می‌کنند. مصوت‌های مرکب هراتی ou و ey به فارسی ou و ey نزدیک است و این امر که این مصوت‌های مرکب و مصوت‌های مرکب دیگر در گویش کابلی جزو واج‌های مستقل‌اند و نه ترکیب مصوت‌ها مانند (ay) <a+y>، (aw) <a+w>، به این دلیل است که کاملاً از سازه‌های اولیه جدا شده‌اند^{۲۴} و، علاوه بر آن، مصوت ö در گویش هراتی به جز در مصوت‌های مرکب در جای دیگر دیده نمی‌شود. بدین ترتیب، تحول مصوت‌های مرکب در گویش هراتی تقریباً همانند گویش تهرانی است.

21) cp. Pakhalina, s. 46-51.

22) V. S. Sokolova, R. L. NEMENOVA, Yu. I. BOGORAD, V. A. Livshits, A. I. Farkhadiyan, "Novye svedeniya po fonetike iranskikh yazykov." - *Trudy Instituta yazykoznaniiya. T. 1, M., 1952, s. 178-192* (Sokolova, Nemenova: پایین); V. S. Sokolova, *Fonetika tadzhikskogo yazyka M. -L., 1949, s. 74.*

۲۳) تبدیل {ay}>{ey}، {aw}>{öü} کاملاً صورت نگرفته است و در کنار گونه اصلی گونه‌های نادر و منسوخ نشان داده شده است که شامل مصوت‌های مرکب حد واسط {äy}/{ay}؛ {äu}/{au} می‌باشد.

24) cp. Sokolova, NEMENOVA i dr., s. 175-177.

نظام صامت‌ها

از خصوصیات گویش هراتی در مقایسه با کابلی فقدان تفاوت واجی میان q و ɣ^{۲۵} است. در گویش هراتی تنها واج ɣ وجود دارد که صامت انسدادی-سایشی ملازی (با واج‌گونه‌های متعدد)^{۲۶} است و واکدارتر از q و در مقایسه با ɣ خفیف‌تر است و در میان دو مصوت‌گرایش به سایشی شدن دارد^{۲۷}. مثال:

کابلی ɣarib-هراتی ɣarib «فقیر، بینوا»؛ کابلی qarib-هراتی ɣarib «قریب»؛ کابلی mory-هراتی morɣ «مرغ»؛ کابلی qâq-هراتی ɣâɣ «بیات».

موارد دیگری را دربارهٔ صامت‌های گویش هراتی خاطر نشان می‌سازیم:

۱. m و n در پایان واژه و چند تکواژ ناپایدار است و حذف می‌شود:

âfari (<âfarin) «آفرین»، nâtevâ (<nâtevân) «ناتوان»، čec'/čič (<šešm) «چشم»،
inâ miran b• angurxorda (<angurxordan) «کدام»؛ قس مصدر kodu (<kodum/kodâm)
«اینها برای انگور خوردن می‌روند»، پایانهٔ شخصی فعل: mâ mifti (<miftim) «ما می‌افتیم».

۲. همانند گویش تهرانی، حذف h و همزه، بی‌آن که a ی پیش از آن به ʔ^{۲۸} بدل شود:

šar<šahr «شهر»، ɣar<ɣahr «قهر»، واژه‌های عربی را نیز در برمی‌گیرد: nal<na'l «نعل»،
wade<wa'de «وعده».

۳. در پایان واژه یا تکواژهای مختوم به مصوت، n و m افزوده می‌شود:

mayin/meyn «ماهی»، jârčîn/jarč'in «جارچی»، kin-i? «کیستی؟»؛ حرف اضافه
b•m(<b•+m) و حرف ربط k•m(<k•+m).

مواردی که در بند ۱ و ۳ ذکر شد، در کابلی^{۲۹} نیز، مصداق پیدا می‌کند؛ اما در هراتی

۲۵) دربارهٔ وجود دو واج q و ɣ در کابلی ←

Pakhalina, s. 51; Boqdanov, s. 7; Farkhadi, s. 40.

۲۶) این مورد را M. Fikrat نیز در پیشگفتار واژه‌نامهٔ خود خاطر نشان کرده است.

۲۷) این صامت در زبان فارسی با واج مربوطه همانند نشان داده می‌شود. قس

V. S. Sokolova, *Očerki po fonetike iranskikh yazykov. T. 1, M.*, 1953, s. 51; D. I. Edel'man, *O edinoi nauchno i transkripsii dlya i ranskikh yazykov. M. -L.*, 1963, s. 19; Sokolova, *Nemenova i dr.*, s. 177;

Pešikov, s. 30-32. 28) Pešikov, s. 39,33.

29) Farkhadi, s. 44-45; Boqdanov, s. 11.

رواج بیشتری دارد.^{۳۰} حذف h نیز در گویش کابلی دیده می‌شود اما باعث نشستن مصوت â به جای a می‌شود: qâr, šâr نیز قس wâda, nâl.^{۳۱}

در گویش هراتی، تلفظ مجموعه کلماتی که پربسامند بیشتر شبیه گویش تهرانی است تا گویش کابلی:

کابلی	هراتی	تهرانی	
čuča ^{۳۳}	juj•/juje	juje ^{۳۲}	جوجه
tokma ^{۳۵}	dogme	dogme/togme ^{۳۴}	دگمه
kolula ^{۳۷}	golul•/golle	golule/golle ^{۳۶}	گلوله (در فارسی)
čêy ^{۳۹}	ġeġ/jiġas	ġig ^{۳۸}	جیغ
yak	yek/yek/ek	ye/yek/yeg ^{۴۰}	یک
šaš	šiš/šeš	šiš	شش
avda	efde/evde	hivdä	هفده
ažda	hižda/hêžda/êžda	hiždä	هجده
nozda	numzæ	nozzä/nonzä/nonzdä	نوزده
t-, ^{۴۲} te-	d-,de-	d-, ^{۴۱} de-	بُن مضارع
mêti, betê/bete)	(midi, bede)	bede, midi	فعل «دادن»

حذف n- در مصدر، m- در پایانه‌های شخصی، افزایش n- و m- در حروف اضافه، ضمایر و حروف ربط و بعضی از اسامی در کابلی دیده نمی‌شود و در هراتی شکل‌هایی با صامت خیشومی میان هشت با آن مطابقت دارد. ر. فرهادی افزایش n- را به‌عنوان وجه مشخصه گویش هراتی خاطر نشان می‌سازد (Farkhadi, s. 30).

31) Farkhadi, s. 33; Pakhalina, s. 52; Kiseleva, s. 27-28; Boqdanov, s. 78. 32) Pešikov, s. 40.

33) Afghani Nawis, *Loghât-e âmiyâna-ye fârsi-ye Afghânestân-Bâ takmelâyê-az Hosayn Farmand*.

Kabul, 1985, s. 196 (Afghani Nawis: پایین); Boqdanov, s. 70.

34) Pešikov, s. 29.

35) Afghani Nawis, s. 121.

36) V. A. Zhukovskii, *Obraztyspersidskogo narodnogo tvorchestva. Pesni pevtsov-muzykantov, pesni svadebnye, pesni kolybel' nye, zagadki, obraztys raznogo sodержaniya*. SPb., 1902, s. 275, 277;

Pešikov, s. 32.

37) Afghani Nawis, s. 460; Fikrat, s. 123.

38) Pešikov, s. 54.

39) Afghani Nawis, s. 199; Fikrat, s. 51.

۴۰) معادل‌های تهرانی اعداد مطابق اثر ل. س. پسیکوف (Pešikov, s.56)، کابلی مطابق اثر ر. فرهادی

(Farkhadi, s. 96) و ل. ن. کیسلوا (Kiseleva, s. 74) داده شده است.

41) Pešikov, s. 64, 68.

42) Farkhadi, s. 126, 144; Pakhalina, s. 59.

صرف

اسم

روش‌های تحلیلی بیان بعضی از مقولات دستوری و رابطه نحوی اجزای کلام و پسوندهای اشتقاقی و صرفی را بررسی می‌کنیم:

از پسوند *-i/-ê* در گویش کابلی تنها در سبک نیمه ادبی^{۴۳} و در گویش هراتی، هم در فلکلور و هم در محاوره، برای نشان دادن یای وحدت و یای نکره، استفاده می‌شود:

m• am dige âdam-1 mazdurkâr-1 budom «من هم آدمی مزدبگیر بودم.»

و نیز برای مشخص کردن اسم از مجموعه‌ای همگون به کمک جمله پیرو:

pas b•m jâ-yi ke sob arkât kard• budim amunj'i rasidim

«پس به همان جایی که صبح حرکت کرده بودیم همان جا رسیدیم.»

قس همان (پسوند نکره‌ساز) در گویش تهرانی^{۴۴}.

استفاده خاص از ضمیر متصل سوم شخص مفرد و جمع که از ضمائر فاعلی *i*، *u*، *inâ*^{۴۵} مشتق شده است از خصوصیات گویش هراتی است. ضمائر متصل سوم شخص مفرد و جمع هراتی برابر *-eš* و *-ešân* کابلی است.

ag• yak nafar dige ke asp-i tağretar bâš•, u xod-i tağretar bâš•, onu boz-er mir•, migir• azu
«اگر یک نفر [پیدا شود] که اسبش تیزتر باشد، و خودش [نیز] تیزتر (ماهر) باشد، آن بز را از [سوار] اولی می‌گیرد.»

nij'i zaminâ-inâ nâkâr mun «این جا زمین‌های آنها ناکار (لم‌یزرع) ماند.»

نیز قس *sabâ-yu* «فردا، روز بعد» → کابلی^{۴۶} *sabâyš*

این ضمائر متصل، علاوه بر نقش‌های دیگر، در نقش فاعلی نیز می‌آیند که در *-eš*، *-ešân* کابلی دیده نمی‌شود.^{۴۷}

yak asp-e m• b• zamin xor, b•m sar sang ke beracid-i b• zamin xor.

«یکی از اسبان من به زمین خورد، همین که او سر سنگ رسید به زمین خورد.»

43) FARKHADI, s. 73. 44) PEŠIKOV, s. 43, 45.

(۴۵) برای توضیح بیشتر ←

Yu. A. IOANNESYAN, "O proiskhozhdenii odnoï mestoimennoï ênklitiki v iranskikh dialektakh". -Pismennye pamyatniki i problemy istorii kul'tury narodov Vostoka. XXIII godich. nauch. sessiya Lo IV AN SSSR (doklady i soobshcheniya), 1988. chast' II. M., 1990, s. 71-77.

46) FARKHADI, s. 84. 47) PAKHALINA, s. 54; FARKHADI, s. 83-85, 192.

قس مورد مشابه در گویش تهرانی:

räfteš «او رفت»، doxtäre hey jiğ mizdeš «دختره هی جیغ می‌زد».^{۴۸}

در گویش هراتی (همانند دیگر گویش‌های دری و فارسی)، ترکیب اضافی، به عنوان روش اصلی نسبت مضاف و مضاف‌الیه، نقش ایفا می‌کند. حذف پربسامد نشانه اضافه از ویژگی‌های این گویش است:

tanxâ šâgerd «مواجب شاگرد». piyar m «پدر من» که در تهرانی نیز وجود دارد^{۴۹} - در کابلی، تنها در ترکیبات پایدار، مثلاً در اصطلاحات خویشاوندی، دیده می‌شود.^{۵۰} نقش مالکیت می‌تواند با عبارت mâl-e نشان داده شود (در تداول عامه آمده است) که در کابلی کاربرد ندارد، اما در گویش تهرانی دیده می‌شود^{۵۱}:

man mâl-e to nistam, mâl-e diga kâs astam

«من مال (زن) تو نیستم، مال (زن) شخص دیگری هستم.»

صفت برتر [تفضیلی] تنها با افزودن پسوند -tar به صفت مطلق ساخته می‌شود. ترکیب وصفی خاص کابلی با کلمه kada یا همانند آن در گویش هراتی کاربردی ندارد:

«از پل مالان هم بزرگ‌تر است.»
a pole mâlun i am kaluntar as

قس کابلی: ^{۵۲} az tu- kada kalântar/az tu- kada kalân

مجموعه‌ای از پسوندهای اسم‌ساز در کابلی وجود دارند که متداول نیستند:

(۱) -e/ε/-^{۵۳} -i (۲) -čak/-ček (۳)

پسوند اولی با اتصال به ماده معنی کلمه را تغییر نمی‌دهد:

rubâ am sulâxê (<e-اضافه + sulâxe)

«روبه از سوراخ دیوار بیرون رفت» (قس sulâx-sulâxe).

ami doxtare doxtar-e pâdšâzâde bud

«همین دختر، دختر پادشاه‌زاده بود.» (قس doxtar-doxtare)

bânĵun-râ migiri... çâr xate kaš mikoni, u-râ mindâzi mâbeyne ruĝan

«بادمجان را می‌گیری... چهار قسمتش می‌کنی آن را داخل روغن می‌اندازی.» (قس xat-xate).

48) Pešikov, s. 54-55.

49) Pešikov, s. 86, 114.

50) Farkhadi, s. 77. 51) Farkhadi, s. 77.

52) Farkhadi, s. 80; Pakhalina, s. 53-54; Kiseleva, s. 67.

53) Farkhadi, s. 152-168; *Osnovy iranskogo yazykoznanija*, s. 203-221.

از این پسوند در گویش تهرانی نیز استفاده می‌شود.^{۵۴}
پسوند دومی در بعضی از اسامی آمده است که این اسامی هم با پسوند و هم بدون
پسوند در شرایط مساوی به کار می‌روند. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که افزایش *-i* معنای
شکل اولیه را تغییر نمی‌دهد:

meyduni «میدان» قس meydun/maydân به همان معنی؛ ġabrestuni «قبرستان» قس ġabrestun-
entezâri «انتظار» قس intezâr.

نیز واژه bârdomi^{۵۵} «فشقون، رانکی»، قس کابلی pârdom^{۵۶}.

پسوند سومی یعنی -čak/-ček ترکیبی از -ča و -ak است و در معنی تصغیری به کار
می‌رود:

kelkinčak (از kelkin، «پنجره») پنجره کوچک، pâčekâ (از pâ «پا»)، «پاچه (گوسفند)».

زیایبی زیاد پسوندهای هراتی (ek/-g+e/-•) -eke/-ge/-eg•/-ke/-ge در مقایسه با
معادل‌های آن در کابلی، که تنها در mardaka «مَرده»، zanaka «زنه» آمده است، درخور
توجه است:^{۵۷}

zaneke «زنه»، mardake «مرده»، kallege/kalleg• «کچله، کل»، doxtarke «دختره»^{۵۸}،
lâgr-i (-e اضافی + xarge) xargê «خره لاغر».

فعل

در گویش هراتی، پیشوند -bo-/b•- be-/bi-، علاوه بر آن که برای ساخت افعال التزامی،
واداری به کار می‌رود، برای ساخت ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید نیز کاربرد
دارد:

befamidim ke inâ čî goftan «فهمیدیم که اینها چه گفتند».

a sar-e nâf-iq deraxt-e paste sôuzka dâ bejaste

«از وسط [قبر] او درخت پسته سبزی روییده است».

ia jêlôutar b• xânom-e xo begofte bud bo mâ a čel nafar nun teyâr koni

54) Pešikov, s. 100.

۵۵) در گویش هراتی تبدیل p به b در بعضی از واژه‌ها دیده می‌شود.

56) Afghani Nawis, s. 67.

57) Farkhadi, s. 159.

۵۸) جزء مصوت، با آمدن پسوند، چون در مجاورت r قرار می‌گیرد، حذف می‌شود. درباره کاهش تأثیر r بر
مصوت‌ها ← بالاتر.

«او پیش‌تر به خانم خود گفته بود: برای ما چهل نفر غذا درست کن.»

در گویش کابلی و تهرانی، پیشوند مربوط به فعل ماضی وجود ندارد.^{۵۹}

در گویش هراتی، در همهٔ افعال پیشوندی، پیشوندهای (فعلی) -war-/wor-، -dar- با پیشوندهای صرفی -mi-/mê-، -na-/ne- از بُن جدا می‌شوند:

war-midâre, war-midištîm, war-nemiâya, vor-mindâze, war-nako, dar-miyâye.

در گویش کابلی، در بیشتر این افعال، پیشوندهای فعلی با بُن یکی می‌گردد و همیشه بعد از پیشوند (پیشوندهای صرفی) می‌آید:

medrâyom, mebrâyom, mefrâyom, namêwardârom^{۶۰}.

مطابق این نشانه، گویش هراتی به تهرانی نزدیک است. قس dâr-miyâ râm،

vâr-midâ ššân^{۶۱}.

یکی دیگر از خصوصیات گویش هراتی استفادهٔ خاص از پسوند -ak- است. این سازه، علاوه بر آن که مانند کابلی در ساخت سوم شخص مفرد بعضی از زمان‌های ماضی، مانند ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی بعید (قس šodak، mibordak، sarzade budak)^{۶۲} به کار می‌رود، می‌تواند به بن فعلی وجه امری نیز پیوندد:

pâk bošurak, tamiz ko, bâz biyâya (<b iyâyak), xošk konak

«خوب بشور [بچه را]، تمیز کن، سپس بیاور [تحت اللفظی باز بیا] خشک کن.»

این سازه گاهی با بُن‌های مضارع افعال «افتادن» و «ایستادن» می‌آید:

miftiki «می‌افتی»، mifteke «می‌افتد»، mistekom «می‌ایستم»، mistekim «می‌ایستیم».

پسوند منسوخ -î/-ê-، که در سوم شخص مفرد فعل در جملات شرطی دیده می‌شود، مشخصهٔ گویش هراتی است. (بیشتر مثال‌ها از فعل «بودن» آورده شده است):

ag• kas-i kampaxte bud-i kol-e pul-eu xalâs mišod b•mrâ

«اگر کسی فقیر می‌بود و کل پول او در [بین] راه تمام می‌شد.»

kâške Arumi bud-i ke inâl sêbâ biyâword-i

«کاش ارومی بودی و اینک سیب می‌آوردی» (تداول عامه)

در گویش هراتی، صفت مفعولی در نقش‌های وصفی و اسنادی بسیار به کار رفته

59) Farkhadi, s. 119, 130; Pešikov, s. 71-72, 78-82.

60) Farkhadi, s. 118, 139, 140, 148; Boqdanov, s. 29; Kiseleva, s. 82.

61) Pešikov, s. 72-73.

62) Pakhalina, s. 57-58.

است و بر خلاف کابلی پسوند *-gi* نمی‌گیرد:

morġ-e baryânkade (<baryânkarde)b• ru-ye ġurri-ye barenġ miġzâre.

«مرغ بریان کرده را روی سینی برنج می‌گذارد».

dasmâl-e gardan-i am ba gardan andâxte-ye «دستمال گردنش را به گردن انداخته [است]».

صفت مفعولی در گویش تهرانی با گویش هراتی مشابه است:

kâpk-e košše «کیک کشته شده»^{۶۳}

قس کابلی:

ĉâ-ye kandagi-ra por kadêm

«چاه کنده شده را پُر کردیم.»

i pêran bâftagi

«این نیم‌تنه بافته شده [است]».^{۶۴}

در گویش هراتی، فعل ربطی، بر خلاف گویش کابلی که در آن تنها از شکل کامل آن استفاده می‌شود^{۶۵}، هم به صورت کوتاه شده و هم به صورت کامل می‌آید؛ ولی بعد از ادات نفی معمولاً به صورت کوتاه به کار می‌رود: *ni-yom, ni-yi, ni-ye/ni-yä* و غیره.

گویش هراتی، از نظر ساخت فعل، در موارد زیر با گویش‌های دیگر فرق ندارد:

۱. استفاده زیاد از پیشوندها برای ساخت فعل، به خصوص پیشوند زایای (*vor-*)

.war(var)-/wa-/wor

قس افعال زیر (در سوم شخص مفرد مضارع):

war-midâre «برمی‌دارد، بلند می‌کند»؛ *war-migarde* «برمی‌گردد»؛ *war-miġ•* «برمی‌جهد»،

wor-mixiza/war-mixiza/wa-mixaze «برمی‌خیزد»؛ *war-miâyä* «برمی‌آید، ور می‌آید» (خمیر)؛ *vor-mindâze*

«برمی‌اندازد»؛ (در سوم شخص جمع) *v•r-mikonan* «بلند می‌کنند، بیدار می‌کنند»؛ (در سوم شخص مفرد

ماضی) *varix(<var-fixt)* «فواره زد، ریخت» و غیره.

چنان‌که از مثال‌ها پیداست، دایره افعال با این پیشوند (فعلی) اشتقاقی در گویش هراتی

بسی وسیع‌تر از گویش کابلی است که در آن تنها افعال *war-dâštan*^{۶۶}، *bar-âwordan*، *bar-âmadan*

کاربرد زیاد دارد.

وجود افعال بی‌شماری که با پیشوند فعلی می‌آید از خصوصیات زبان فارسی^{۶۷} است.

۲. فعل سببی، در مقایسه با کابلی، کم‌تر به کار می‌رود و با پسوند سببی *-ân/un* و نیز

63) Pešikov, s. 84. 64) Pakhalina, s. 58; Farkhadi, s. 157; Kiseleva, s. 87.

65) Pakhalina, s. 55-56.

66) Farkhadi, s. 148.

67) *Osnovy iranskogo yazykoznaniiya*, s. 146.

بدون آن می‌تواند معنی متعدی داشته باشد:

darwâzê xuna-r šekastân «در خانه را شکست»

kuzâ beškasti? «توکوزه [را] بشکستی؟»

b•gešt-e čaromi u čarpanĵe-râ âb mirizune bâle-ye az u berln

«بار چهارم او آب [را] از سوراخ‌هایی که از چهار طرف در برنج ایجاد شده‌اند می‌ریزد.»

âb-râ badar mirize «آب را بیرون می‌ریزد.»

در گویش کابلی، هر دو فعل *šekâstân* و *rixtân* بدون پسوند سببی معنی متعدی خود را از دست می‌دهد؛ در حالی که، در هراتی، هم معنی متعدی دارد و هم معنی لازم.^{۶۸}

۳. افعال مرکب، که بُن یا وجه وصفی فعل ساده به عنوان جزء اول آنها می‌آید، همانند کابلی کاربرد زیاد دارد.^{۶۹} بعضی از آنها، که در کابلی تنها به صورت مشتقات افعال مرکب آمده‌اند، در هراتی، شکل اصلی خود را حفظ کرده‌اند (که رواج بیشتری دارد):

zan-o mard b•jelôu^ω-am amitô istâd šode «زن و مرد جلو من برخاستند.»

قس

i xânom âmâd dar ĵelôu-e azi istâd, gof... «این خانم آمد، جلوی او برخاست و گفت...»

be doxtarke goftan: dig-e pâya poxte ko «به دختر گفتند: (دیگ) [غذا] را بپز.»

قس

kam-i nun-ê mun-ê bepaz «کمی غذا بپز.»

mu-ye doxtarke b•m tanôu^ω-e âyeni baste kad-o... «موی دختر را با طنابی بست...»

dast-o pâ-y ârus-er• inâ mibandan «دست و پای عروس را حنا می‌بندند.»

...ami xord-o rize-ye az inâ porsân kad

«درباره کوچولوهای آنها پرسید (سراغ بچه‌های آنها را گرفت).»

قس

az mε be Irân porsidan «از من درباره ایران پرسیدند.»

افعال یاد شده، در گویش کابلی، به صورت افعال مرکب و، در گویش تهرانی، به

68) Farkhadi, s. 137; Kiseleva, s. 82.

69) در ادبیات ایران‌شناسی گاهی به کمک «افعال گسسته» ذکر می‌شود. قس

Kiseleva, s. 83; Boqdanov, s. 28-29, 31.

صورت فعل بسیط می‌آید.^{۷۰} هم‌زمان، بعضی از افعال «ثانوی» که در گویش هراتی وجود دارد در کابلی نیز دیده می‌شود؛ مثال «گریختن»، «باختن»:

ham• gorix (<gorixt) kadan «همه گریختند».

i sarvar zâbet ġamâr-râ bâxt dâde bud «این «سرور» گروهبان قمار را باخته بود».

با تجزیه و تحلیل خصوصیات نظام فعلی در گویش هراتی، امکان استفاده از فعل اصلی با فعل وجهی «توانستن» را، هم به شکل التزامی و هم مصدر ناقص (از نظر ظاهر مانند صفت مفعولی است)، خاطر نشان می‌سازیم:

var-xiste-vo birun namitune dige šoma biyâye extelât kone, arf bezane

«نمی‌تواند برخیزد و بیرون [پیش] شما بیاید، اختلاط کند، حرف بزند».

در گویش کابلی، از مصدر ناقص و در تهرانی (به استثنای عبارات غیر شخصی) از وجه التزامی استفاده می‌شود.^{۷۱}

حروف

حروف اضافه

شمار بسیاری از حروف اضافه، که در گویش هراتی به کار می‌رود، در کابلی کاربرد ندارد.^{۷۲}

dombâl-e «دنبال»، jêlôu-e/jêlôuru-ye «جلو»، tay-ye/tey-ye «وسط - داخل»، wâsetê/wâsê «واسه، به خاطر»، tu-b• «روبه» (در گویش تهرانی نیز یا به همین صورت یا به صورت‌های دیگر آمده است).^{۷۳} در هراتی، حرف اضافه xod-e/xode-ye/xodê/xod^{۷۴}، با حرف اضافه کابلی

70) Boqdanov, s. 28; Farkhadi, s. 139, 141, 149; Kiseleva, s. 83.

71) Boqdanov, s. 33; Farkhadi, s. 126, 141.

72) cp. *Predlogi v kabul'skom dialekte*, Farkhadi, s. 101-103; Yu. A. IOANNESYAN "sistema predlogov i poslelogov v razgovornom dari". - *Yazyki Azii i Afriki (Fonetika, Leksikologiya. Grammatika) M.*, 1985, s. 64-77.

۷۳) حرف اضافه هراتی tay-ye/tey-ye هیچ ارتباطی با واژه ta «پایین» نداشته و با فارسی tu-ye ارتباط دارد.

74) Peisikov, s. 90-92; G. M. D' ERME, *Grammatica del Neopersiano*. Napoli, 1979, s. 69-75; C. H. Fouchecour *Elements de persan*. Paris, 1985, s. 63-64, 72-76; A. Coletti, *Grammatica della lingua Persiana*. Roma, 1986, s. 122-125.

۷۵) در مورد اشتقاق احتمالی آن ←

I. M. Oranskiĭ, "Tadzh. kati/qati-osest. (dig.) xäccä"- *Iranskoe yazykoznanie (k 75-letiyu prof. V. I. Abaeva)*. M., 1979, s. 148-159.

۷۶kati/kat-e/qat-e مطابقت دارد.

حروف اضافهٔ rad-e «دنبال» (قس rad، «رد، اثر»، b•j•āte-ye «به جای»^{۷۷}، a moxt•n-e/a moxten-۱ «به خاطر-به عدت»، čab a(z) «به جز»^{۷۸} مختص گویش هراتی است.

ادات

معادل اداتِ نفی کابلی nê^{۷۹} در گویش هراتی na/ne (قس nâ در تهرانی)^{۸۰} و nê/ni است و معادل ادات تأکیدی xō/xô^{۸۱} «آخر، که»، در هراتی ko, ke/kε/k•(m)/kâ/ki (قس ke در تهرانی) است^{۸۲}. ادات وجهی زیر در کابلی وجود ندارد:

۱. ēy/āy در معنی طول عمل یا تکرار عمل:

didom ke ēy unâ nun mixora «دیدم که آنها می غذا می خوردند.» قس تهرانی
āz mǎn hey miporsid «از من می پرسید»^{۸۳}.

۲. bâše بیان‌کننده قصد انجام کار:

goftom-bâše yak čay boxorom «گفتم: باشد، یک چای بخورم»
قس bâše در تهرانی^{۸۴}.

با جمع‌بندی موارد یادشده، ویژگی‌های گویش هراتی را، در مقایسه با کابلی، مشخص و آنها را به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

الف - خصوصیاتِ که گویش هراتی را از گویش کابلی جدا و آن را به گویش تهرانی نزدیک می‌کند:

دستگاه آوایی

۱. آمیختگی تدریجی واج‌های u, ô, i, ê و نیز تبدیل مصوت‌های مرکب āw و āy به ēy و ôu؛

76) Farkhadi, s. 103; Pakhalina, s. 53.

۷۷) وجه اشتقاق این حرف اضافه و حرف اضافهٔ بعدی مشخص نیست.
۷۸) احتمالاً از صفت «چپ» čap/čab مشتق شده است. در فلکلور بلوچی به صورت čap نشان داده شده است. ←

Beludzhskie skazki, sobrannye, I. I. Zarubinyum. Ch. II. M. -1. 1949, s. 17, 29 i dr.

79) Farkhadi, s. 107. 80) Pešikov, s. 95. 81) Boqdanov, s. 23, 120; Farkhadi, s. 200-201.

82) Pešikov, s. 96. 83) Pešikov, s. 96-97. 84) Pešikov, s. 16.

۲. مجموعه‌ای از تغییرات موضعی مصوت‌ها:
 - تبدیل a به e/ε در بافت پُرسامد پایان واژه؛
 - تبدیل â به u و o به تأثیر خیشومی‌ها؛
 ۳. حفظ کیفیت a پس از حذف h بعد از آن؛
 ۴. وجود تنها واج صامت ġ در ازاء q و ɣ در گویش کابلی؛
 ۵. تلفظ مجموعه‌ای از واژه‌هایی که پُرسامدند.

خصوصیات صرفی

۶. استفاده زیاد از پسوند نکره‌ساز -i/-ê؛
 ۷. استفاده از ضمیر متصل سوم شخص مفرد در نقش فاعلی؛
 ۸. حذف پُرسامد کسره اضافی؛
 ۹. ساخت صفات سنجشی بدون استفاده از kada یا نشانه سنجش نظیر آن؛
 ۱۰. وجود پسوند اسم ساز -e/-ε/-•.

فعل

۱۱. جدایی پیشوندهای (فعلی) اشتقاقی -dar-، -war-/wor- از بُن با پیشوندهای صرفی mi-/mê و na-/ne- در افعال پیشوندی؛
 ۱۲. فقدان صفت مفعولی مختوم به -gi- (در هراتی صفات مفعولی به -ε/-e ختم می‌شوند)؛
 ۱۳. کاربرد زیاد افعال پیشوندی و کاربرد کم افعال سببی؛
 ۱۴. آمیختن معانی متعدی و لازم افعال «شکستن (شکسته شدن)»، «ریختن (ریخته شدن)» (بدون استفاده از پسوند سببی)؛
 ۱۵. کاربرد زیاد افعال بسیط و اصلی «پرسیدن»، «بستن»، «برخاستن»، «پختن» (در کنار مشتقات افعال مرکب)؛
 ۱۶. کاربرد وجه التزامی فعل اصلی به همراه فعل وجهی «توانستن» (در کنار مصدر ناقص؛ ← پایین).

حروف

۱۷. وجود حروف اضافه wâsetê/wâsê، ru-b•، tã-y-ye/teŷ-y-ye، ĵelôu-e، dombâl-e

و فقدان حرفِ kati/kat-e/qate؛

۱۸. استفاده از ادات نفی na/nε (در کنار nê/ni) و ادات تأکیدی ke/kε (در کنار ko) و ادات وجهی bāše, ēy|ōy

ب- مواردی که، در مقایسه با کابلی و تهرانی، خاص گویش هراتی است:
دستگاه آوایی

۱. عدم تفاوت مصوت‌ها از نظر کشیدگی و هم پایداری؛
۲. تبدیل â به a در موضع بدون تکیه؛
۳. نشستن مصوت‌های i, e, ε, a, • بعد از صامت‌های پیشین به جای مصوت‌های پرسامد ô/u و o؛
۴. کاهش تأثیر صامت‌های r و m بر مصوت‌ها؛
۵. اضافه شدن m و n در پایان واژه یا تکواژهای مختوم به مصوت.

خصوصیات صرفی

۶. استفاده از ضمائر متصل سوم شخص مفرد و جمع که از ضمائر شخصی مشتق شده‌اند؛
۷. استفاده از پسوندهای اسم‌ساز -čak/-ček، -i و زایایی زیاد -eg•/-ke/-ge
-eke/-ege/

فعل

۸. کاربرد اختیاری پیشوند -be-/b1-/bo-/b• در ساخت ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید؛
۹. افزایش پسوند -ak در وجه امری و کاربرد آن در ساخت بن‌های مضارع افعال «افتادن»، «ایستادن»؛
۱۰. استفاده از پسوند منسوخ -ê|-i در سوم شخص مفرد فعل در جمله‌های شرطی؛
۱۱. کاربرد صورت سلبی افعال ربطی که از شکل ایجابی کوتاه آن با اتصال ادات -ni ساخته می‌شود؛
۱۲. وجود مشتقات افعال مرکب از «گریختن» و «باختن».

حروف

۱۳. استفاده از حروف اضافه b•jâte-ye ، rad-e ، xod-e/xode-ye/xodê/xod ، čab a(z) ، amoxt•n-e/a moxten-1.

پس از بررسی ویژگی‌های گویش هراتی در مقایسه با کابلی، اینک لازم است به موارد تشابه آنها توجه کنیم:

چون خصوصیات مشترکی که هر دو گویش را از تهرانی متمایز می‌کنند مهّم‌اند به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. استفاده از پسوندهای اسم ساز -as: jarangas «جرنگ و صدا»، jīgās «جیغ»؛ و صفت ساز -ōk: zaxmōk «زخمی»، poflōk «پژمرده» (قس «poftol» «چروک، فاسد»^{۸۵}).

۲. کاربرد -er (<râ) | -r به عنوان حرف اضافه پسایند در مفعول بی‌واسطه (آن گونه که در تهرانی است) در مفعول با واسطه: tu-r či šoda? «ترا چه شده است؟»^{۸۶}.

۳. امکان تشکیل ترکیبات اضافی اسامی و حروف اضافه پسایند با ضمیرهای شخصی و اشاره (اگر ضمائر با صامت شروع نشوند) به کمک az (ضمناً وجود اضافه حتمی نیست):

«می‌روم دنبال آنها» mirom rad-e az inâ

«... دید که در حیاط او همه چیز تمیز است...»^{۸۷} ...did ama pāk...ta ōūli azi

۴. بیان مالکیت به کمک حرف اضافه az/a:

«این جانماز هم مال تو»^{۸۸} i jānamāz am az tu

۵. افزایش پسوند -āk در فعل ماضی ساده، ماضی استمراری و ماضی بعید (برای

مثال‌ها ← بالا)^{۸۹}

۶. وجود وجه فرضی با حروف xâ (t) <xâhad:

Farkhadi, s. 112, 165.

^{۸۵} درباره کاربرد این پسوندها در کابلی ←

^{۸۶} درباره همان حالت در کابلی ←

Farkhadi, s. 103-104, 192; Pakhalina, s. 53; Ostrovskii. "Mnogoobektnye glagoly razgovornogo kabuli"-*Iranskoe Yazykoznanie, Ezhegodnik*. 1980. M., 1981, s. 161.

^{۸۷} در کابلی ← Farkhadi, s. 77, 102.

^{۸۸} درباره بیان مالکیت به کمک حرف اضافه az در کابلی ← Farkhadi, s. 77

^{۸۹} ← پانوشته ۶۳.

āyrān mimānim ke eštōū xāt šod, aga torxiz xāt dād, xāt nadād

«نمی‌دانیم که چه خواهد شد، ترخیص خواهد داد یا نخواهد داد.»^{۹۰}

۷. کاربرد ساخت استمراری با فعل raftan:

xorda miraf

«او می‌خورد و می‌خورد...»^{۹۱}

۸. استفاده از عبارات غیرشخصی مشتق شده از مصدر (از جمله ناقص) فعل اصلی و

سوم شخص مفرد فعل وجهی šodan:

xod-ey ič gapzadan namiše

«با او صحبت کردن اصلاً ممکن نیست.»

korğ-• bālâšode nemiše

«از چاه گود بالا آمدن ممکن نیست.»^{۹۲}

۹. کاربرد مصدر ناقص (در کنار وجه التزامی ← بالاتر) فعل اصلی با فعل وجهی

«توانستن»:

i natunest yäfte

«او نتوانست او را بیابد»

«شخص بیشتر از این نتوانست چیزی بگوید.»^{۹۳} marteke ičiz (<ic' +č'iz) dige-re gofte natunes

۱۰. اتصال پسوند سببی به بن ماضی در صورتی که در پایان بن -t باشد:

(سوم شخص جمع) suxtândan ، geštundan ؛ (سوم شخص مفرد) šekastân.^{۹۴}

۱۱. وجود مصادر مرکب جعلی که بن‌های مضارع و گذشته یا صفات مفعولی افعال

بسیط اصلی به عنوان جزء اسمی آنها نقش ایفا می‌کنند (← بالاتر)^{۹۵}.

۱۲. استفاده از حرف اضافه پسایند wari/-wâri در معنی شباهت:

«سر تا پای من مثل زغال سیاه بود.»^{۹۶} sar-• ĵun-e m• yakteke siyâ zoğâl-wari bud

۱۳. کاربرد ساختار سببی با حرف اضافه sar-e (b•/be):

öulâdâ-ye man tâ kalun šâ be sar-inâ xari-vo zamat mikašim

«زمانی که فرزندان من بزرگ شوند آنها را مجبور می‌کنم زحمت بکشند.»

«او مرا وادار کرد دو گوسفند بخرم.»^{۹۷} du dânä gusfan b• sar-am xarid

۹۰ درباره وجه فرضی در کابلی ← Kiseleva, s. 99; Farkhadi, s. 122-124.

۹۱ درباره همان ساختار در کابلی ← Farkhadi, s. 125-134; Kiseleva, s. 97-98.

۹۲ در کابلی ← Pakhalina, s. 58; Bogdanov, s. 30; Farkhadi, s. 189. (۹۳) ← پانوش ۷۲.

۹۴ فعل «نشستن» استثناست. درباره روش ساخت ماده‌های سببی در گویش کابلی ←

Osnovy iranskogo yazykoznanija , s. 141; kiseleva, s. 82.

۹۵) ← پانوش ۷۰. (۹۶) در کابلی، شکل -wâr-ê وجود دارد. ← Farkhadi, s. 105

۹۷) ساختار یادشده در گویش کابلی رواج زیادی دارد. ← Farkhadi, s. 136

بدین ترتیب، بر اساس مجموع خصوصیات مهم آواشناسی و صرفی، گویش هراتی از کابلی متمایز و به تهرانی نزدیک است. هم جنبه کمی این خصوصیات و هم اهمیت آنها مانع از آن می شود که گویش هراتی را به کابلی نزدیک کنیم. در عین حال، دایره وسیع مرز هم‌گویی کابلی و هراتی اجازه نمی دهد که گویش هراتی را کاملاً از گویش های دری افغانستان جدا کنیم؛ زیرا که همه نشانه های یک گویش میانی (حداصل گویش های غربی و شرقی) را داراست. گروه گویش دری - فارسی - تاجیکی، به همراه گروه خراسانی (نه زیر گروه)، را باید به سه گروه مستقل تقسیم کرد نه دو گروه و مناسب آن می بود که گویش هراتی را، نسبت به غربی و شرقی، گویش مرکزی فرض کنیم.

